

# نظريه شخصيت تئودور ميلون

## زندگی نامه

- میلون (۲۰۱۴-۱۹۲۸م) تنها فرزند خانواده ای یهودی که از لیتوانی و لهستان به آمریکا مهاجرت کرده بودند.
- دریافت مدارک تحصیلی از دانشگاه‌های امریکایی و اروپایی
- عضو هیأت امنای بیمارستان آلتاون
- اشتغال در بیمارستان روانی پنسیلوانیا به مدت ۱۵ سال
- سردبیر مؤسسه ژورنال اختلالات شخصیت
- رئیس افتتاحیه انجمن بین المللی مطالعه اختلالات شخصیت
- استادی دانشمندان در دانشگاه های هاروارد و میامی
- دریافت مدال طلا برای «دستاورد زندگی در اطلاعات روانشناسی» از APA
- اهدای جایزه ای به نام «جایزه تئودور میلون در روانشناسی شخصیت» توسط APA به روانشناسان برجسته در پیشبرد علم روانشناسی شخصیت

## تأليفات

- 1969: **Modern Psychopathology: A Biosocial Approach to Maladaptive Learning and Functioning**, Saunders
- 1996: (with Roger D. Davis) **Disorders of Personality: DSM IV and Beyond 2<sup>nd</sup> edition**, John Wiley & Sons ISBN 0-471-01186-X
- 2004: **Personality Disorders in Modern Life**, John Wiley and Sons. ISBN 0-471-23734-5
- 2004: **Masters of the Mind: exploring the story of mental illness**. John Wiley & Sons. ISBN 9780471469858
- 2007: (with Seth Grossman) **Moderating Severe Personality Disorders: A Personalized Psychotherapy Approach**, John Wiley & Sons.
- 2007: (with Seth Grossman) **Resolving Difficult Clinical Syndromes: A Personalized Psychotherapy Approach**, John Wiley & Sons.
- 2007: (with Seth Grossman) **Overcoming Resistant Personality Disorders: A Personalized Psychotherapy Approach**, John Wiley & Sons.
- 2008: (editor with Paul H. Blaney) **Oxford Textbook of Psychopathology, 2<sup>nd</sup> Ed.**, Oxford University Press.
- 2008: (editor with Robert Krueger and Erik Simonsen) **Contemporary Directions in Psychopathology: Toward the DSM-V and ICD-11**, Guilford Press
- 2008: **The Millon inventories: a practitioner's guide to personalized clinical assessment**, Guilford Press ISBN 978-1-59385-674-8
- 2011: **Disorders of Personality: Introducing a DSM/ICD Spectrum from Normal to Abnormal, 3<sup>rd</sup> edition** John Wiley & Sons ISBN 0470040939

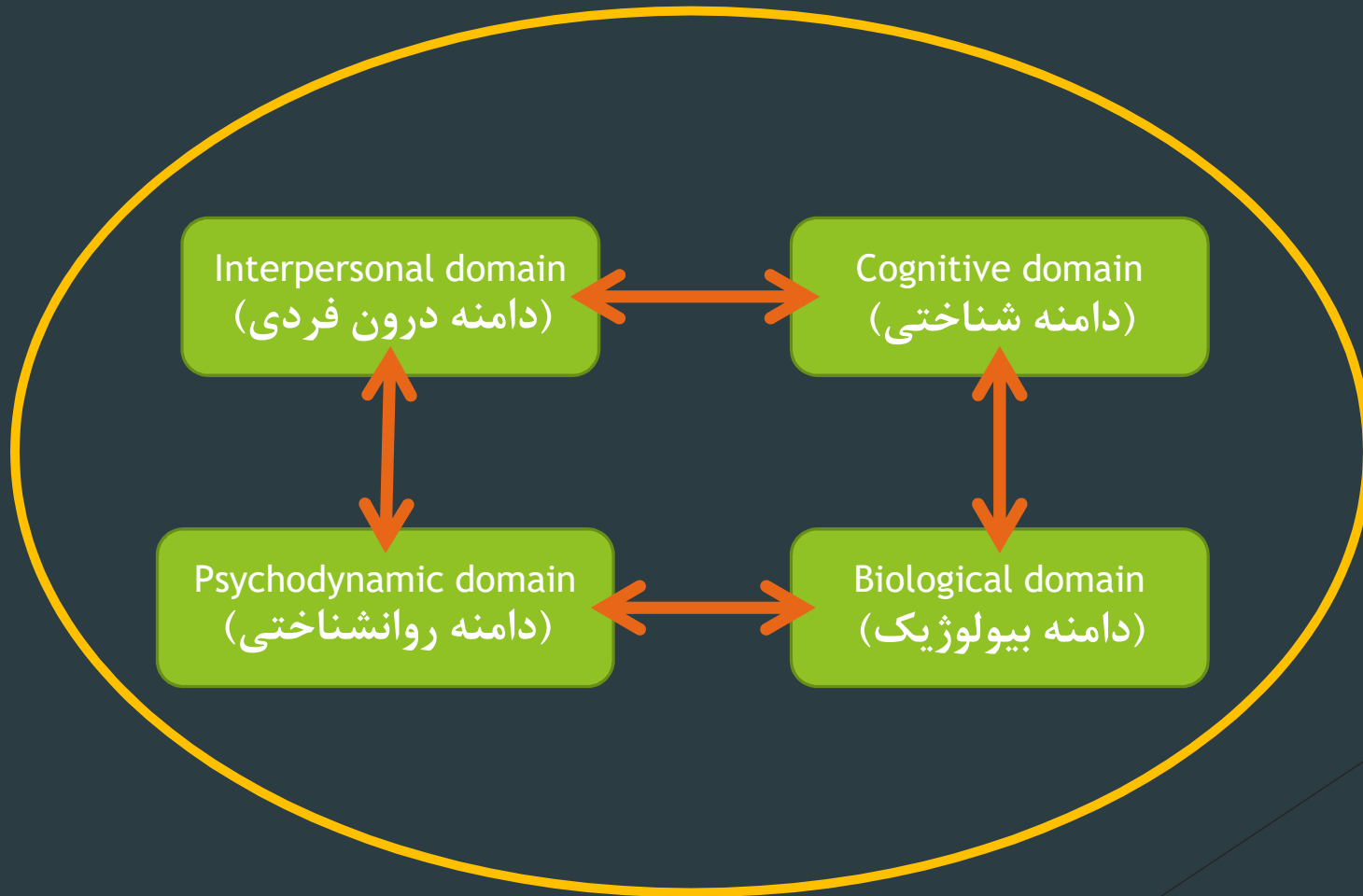
## مقدمه

میلون تأکید کرده است که شخصیت کلیتی ذاتی از ابعاد مؤثر بر هم است. بنابراین، منطقاً یک نظریه شخصیت باید طوری بنا نهاده شود که همانند خود سازه شخصیت یکپارچه باشد. میلون معتقد است که تأکید بر متغیرهای جدید شخصیتی که قبلاً نادیده گرفته شده اند، در واقع تکرار اشتباهات گذشته است. چنین کاری مانند اضافه کردن رویکردی دیگر در پدیده کلی شخصیت است. در حالی که درک علمی از شخصیت به عنوان یک پدیده کلی نادیده گرفته می شود. بنابراین به جای پیشروی، چنین نظریه ای منتج به یک سری از سازه های کل نگر خواهد شد، در نتیجه تمامیت خود را به عنوان بخش هایی از یک کل می پذیرد.

## بنیادهای تکاملی شخصیت

تکامل می تواند انتخابی منطقی برای ایجاد علمی یکپارچه درباره انسان باشد. درست همان طور که شخصیت با الگویابی یکپارچه متغیرها در سرتاسر ماتریس شخص مرتبط است، این ارگانیزم یکپارچه است که زنده می ماند، تولید مثل می کند و پتانسیل های سازگارانه و ناسازگارانه خود را به نسل های بعدی منتقل می کند. اگرچه بعضی وقت ها تغییرات مرگبار رخ می دهد، توفیق تکاملی اغلب ارگانیزم ها به تناسب بین شکل بندی ویژگی ها و پتانسیل ها با محیط بستگی دارد. همچنین، سلامت فیزیولوژیکی به تناسب بین شکل بندی کلی ویژگی ها و پتانسیل های شخص با محیطی بستگی دارد که شخص در آن عمل می کند (مانند خانواده، شغل، مدرسه، کلیسا و تفریح).

## شخصیت به عنوان مجموعه ای از قلمروهای مؤثر بر هم



## مکتب تکاملی شخصیت

◀ این مکتب، رفتار و شخصیت را نتیجه عملکرد ژن ها، ساختار مغز، فیزیولوژی و تکامل در نظر می گیرد. این عقیده را که ژن ها و عوامل تکاملی در شکل گیری شخصیت و رفتار مشارکت می کنند، می توان در نوشته های چارلز داروین جستجو کرد. عقیده بر این است که هر فردی منحصر به فرد است و با ترکیبی از عوامل ژنتیکی که از نیاکانش به ارث رسیده است، شناسایی می شود. ویژگی ها و رفتارهای انسان حاصل انتخاب طبیعی است. ویژگی هایی که ارزش بقا دارند حفظ و از یک نسل به نسل بعدی منتقل می شوند. به همین دلیل، این رویکرد، «نظریه تکاملی شخصیت» نامیده شده است.

## مدل یادگیری تکاملی - اجتماعی میلون

میلون شخصیت را بر اساس چهار قطب بندی توصیف کرد:

- ◀ لذت - درد (منعکس کننده ماهیت تقویتی است که رفتار فرد را کنترل می کند «پاداش دهنده یا آزارنده»)
- ◀ خود - دیگری (منبع یا منابعی که تقویت را فراهم می کنند، نشان می دهد «خود فرد یا دیگری»)
- ◀ منفعل - فعال (رفتارهای وسیله ای و راهبردهای مقابله ای مورد استفاده برای پیگیری آن را مشخص می کند «فعال یا منفعل»)
- ◀ تفکر - احساس (گستره ای را نشان می دهد که افراد به تفکر یا شهود استناد می کنند)

## چهار اصل بنیادی تکامل

میلون چهار اصل بنیادی تکامل را که با قطب بندی های ابتدایی او سازگار بودند، مشخص کرد:

۱. هدف های وجودی، که به **بهبود زندگی** و **صیانت زندگی** اشاره دارد و در قطب بندی لذت - درد منعکس می شوند.

۲. روشهای انطباق که میلون آنها را در قالب اصطلاحات **سازش در برابر تغییر محیط** توصیف می کند (آیا فرد منطبق می شود یا تلاش می کند دنیا و به ویژه افراد دیگر را با خود منطبق سازد) که در قطب بندی منفعل - فعال منعکس می شوند.

۳. راهبردهای تولید مثل یا تکثیر که به گستره ای اشاره دارد که شخص یا **بر فرد و یا پرورش دیگران** متمرکز می شود و در قطب بندی خود - دیگری انعکاس می یابد.

۴. فرآیندهای انتزاع که به **توانایی برای تفکر سمبلیک** اشاره دارد و در قطب بندی تفکر - احساس منعکس شده اند.

## چهار اصل بنیادی تکامل

میلون چهار اصل بنیادی تکامل را که با قطب بندی های ابتدایی او سازگار بودند، مشخص کرد:

۱. هدف های وجودی، که به **بهبود زندگی** و **صیانت زندگی** اشاره دارد و در قطب بندی لذت - درد منعکس می شوند.

۲. روشهای انطباق که میلون آنها را در قالب اصطلاحات **سازش در برابر تغییر محیط** توصیف می کند (آیا فرد منطبق می شود یا تلاش می کند دنیا و به ویژه افراد دیگر را با خود منطبق سازد) که در قطب بندی منفعل - فعال منعکس می شوند.

۳. راهبردهای تولید مثل یا تکثیر که به گستره ای اشاره دارد که شخص یا **بر فرد و یا پرورش دیگران** متمرکز می شود و در قطب بندی خود - دیگری انعکاس می یابد.

۴. فرآیندهای انتزاع که به **توانایی برای تفکر سمبلیک** اشاره دارد و در قطب بندی تفکر - احساس منعکس شده اند.

## تیپ های شخصیتی

میلون ۱۵ تیپ شخصیتی شناسایی کرده است که بر اساس قطب بندی های بنیادی می توان آن ها را درک کرد. برای مثال، افراد مبتلا به اختلال شخصیت اسکیزوئید گرایش دارند که کمتر لذت ببرند، با دیگران کمتر درگیر شوند، در دنیا موقعیتی منفعل داشته باشند و به تفکر انتزاعی و شهود استناد کنند. در مقابل، افراد مبتلا به اختلال شخصیت نمایشی لذت طلب هستند، به روابط بین فردی متمرکزند (گرچه به شیوه ای خود محور)، فعالیت بالایی دارند و به تفکر انتزاعی کمتر علاقه دارند. نظریه میلون منجر به تمایز بین اختلال شخصیت اجتنابی و اسکیزوئید در DSM-III شد. در حالی که اختلال شخصیت اسکیزوئید سبک شخصیت منفعل - گسلیده را ارائه می دهد، اختلال شخصیت اجتنابی نشان دهنده سبک فعال - گسلیده است که با اجتناب فعال برانگیخته شده با اجتناب از اضطراب مشخص می شود. همچنین، میلون مقیاس جامعی برای ارزیابی اختلال های شخصیت DSM و نیز یک طبقه بندی از اختلال های شخصیت بر اساس دیدگاه خود ارائه داد (پرسش نامه چندمحوری بالینی میلون، MCMI-III؛ میلون و دیویس، ۱۹۹۷). این ابزار، در ویرایش سوم خود به طور گسترده ای در مطالعات مختلف و برای ارزیابی در کار بالینی مورد استفاده قرار می گیرد.

قطب‌بندی‌های شخصیت از دیدگاه تکاملی میلون

## تیپ های شخصیتی

### بقا: صیانت زندگی و بهبود زندگی (قطب بندی درد- لذت)

➤ هدف مکانیزم های تکاملی مرتبط با تکالیف بقا، بهبود زندگی و حفاظت از زندگی است. شکل دهندگان حیات به بهبود کیفیت زندگی متمایلند و موجودات زنده را به سمت رفتارهایی سوق می دهند که امکان بقا را افزایش می دهند و امکان رشد و تکثیر آن ها را فراهم می کنند. همچنین موجودات زنده به دور از فعالیت ها و محیط هایی هدایت می شوند که احتمالاً بقا را با خطر مواجه می سازند. رفتارهایی که لذت بخش تلقی می شوند معمولاً تکرار می شوند و بقا را افزایش می دهند؛ رفتارهایی که دردناک تلقی می شوند معمولاً به دلیل اینکه بالقوه تهدید کننده حیات هستند، تکرار نمی شوند. جاندارانی که تجارب دردناک را تکرار می کنند یا در تکرار تجارب لذت بخش با شکست مواجه می شوند، مدت زمان زیادی دوام نمی آورند. در بالاترین مرحله انتزاع، این مکانیزم ها به صورت پدیدارشناختی یا مجازی، آنچه را که ما قطب لذت- درد نامیده ایم، شکل می دهند. مطابق با مراحل تکاملی- رشدی میلون، جهت گیری در قطب لذت- درد، طی دوره «حسی- دلبستگی» ایجاد می شود که هدف آن کمک به رشد و تقویت و متمرکز کردن توانایی درونی برای تمایز بین علائم درد و لذت است.

## تیپ های شخصیتی

### انطباق: سازش بوم شناختی و تغییر بوم شناختی (قطب بندی منفعل – فعال)

دومین تکلیف تکاملی که هر جاننداری با آن مواجه می شود، انطباق است. جانداران یا باید خود را با محیط وفق دهند یا محیطشان را به نفع خود تغییر دهند تا آن را با سبک عملکرد خود تطبیق دهند. وقتی یک ساختار یکپارچه وجود دارد، باید بتواند هستی خود را در میان تغییرات انرژی و اطلاعات محیطش حفظ کند. این مرحله از تکامل نیز به صورت دو قطبی شکل گرفته است: جهت گیری منفعل (به معنی سازش بوم شناختی با موقعیت محیطی شخص) در مقابل جهت گیری فعال (به معنی تغییر بوم شناختی محیط اطراف شخص و مداخله در آن). مطابق با رشد روان شناختی، این قطبیت از نظر رشدشناسی تحت عنوان «مرحله خودمختاری حسی - حرکتی» ابراز شده است، که طی آن کودک عموماً از سبک نخستین به نسبت منفعل سازش به سبک نسبتاً فعال تغییر محیط روانی و فیزیکی اش پیشرفت می کند.

قطب بندی سازش - تغییر از گسترش مفهوم سیستم ها مشتق می شود. در حالی که در مرحله بقا، سیستم اساساً ویژگی درون ارگانیزمی دارد، مرحله انطباق مفهوم سیستم را به پیشروی منطقی از «شخص» به «شخص در بافت» گسترش می دهد. افرادی که جهت گیری فعال دارند، تمایل دارند محیطشان را مطابق با خواسته هایشان تغییر دهند و برای آنها مدل «ارگانیزم فعال» مناسب است. اما، افراد دیگر سعی می کنند با هر آنچه که عرضه می شود، سازش یابند یا به جای تلاش برای تغییر آنچه که وجود دارد شروعی نو و خوشایند را جستجو می کنند که مدل «ارگانیزم منفعل» مناسب آنهاست.

## تیپ های شخصیتی

### تولید مثل: پرورش نسل و تولید نسل (قطب بندی خود- دیگری)

سومین تکلیف همگانی تکامل که هر جاننداری با آن روبرو می شود به سبک های تولید مثل، به خصوص مکانیزم های زیستی - اجتماعی، مرتبط است که هر جنسی برای به حداکثر رساندن مشارکت خود در خزانه ژنی از آن استفاده می کند. همه جانداران برای تکامل باید نهایتاً تولید مثل کنند. در یک انتها راهبرد **r** وجود دارد که زیست شناسان به آن اشاره کرده اند؛ در اینجا، هدف تولید مثل تعداد زیادی فرزند است که بعداً به حال خود رها می شوند تا از خود در برابر بلایای ناشی از شانس یا سرنوشت دفاع کنند. در انتهای دیگر طیف، راهبرد **k** قرار دارد که در آن تولید مثل کمتر و در عوض توجه کامل والدین به فرزندان مد نظر است. میسون اصطلاح **تولید مثل** را برای راهبرد **r** و اصطلاح **پرورش** را برای راهبرد **k** به کار برده است.

زنان به طور متوسط حدود ۴۰۰ تخمک در تمام طول عمر خود تولید می کنند که از این رقم تعداد محدودی (حدود ۲۰ تا ۲۵ تخم) قابلیت تبدیل به نوزاد زنده و کامل را دارند. زنان همچنین قبل از تولد و طی دوران بعد از زایمان تلاش زیادی جهت مراقبت از فرزندان به عمل می آورند و این در حالیست که مردان می توانند تعداد زیادی از زنان را بارور ساخته و بچه تولید کنند، بی آنکه توجهی به مراقبت از آنان داشته باشند. میسون معتقد است هر چند استثنائات فردی همیشه وجود دارند، اما در کل **مردان متمایل به راهبرد r** (خودمحور، غیر حساس، بی ملاحظه، خشک و بی عاطفه در روابط) و **زنان متمایل به راهبرد k** (اهل ارتباط، صمیمی، همدل، حمایت و دلسوز) هستند. به این معنا که مردان معطوف به خود و زنان معطوف به دیگران هستند و این راهبردهای اجتماعی- زیستی متفاوت زن و مرد در نهایت باعث تثبیت ژنی آن ها می شود.

# تیپ های شخصیتی

## تفکر انتزاعی: قطب بندی احساس – تفکر

- ▶ تفکر برای ترکیب گوناگونی ها در یک کلیت واحد، تفکر سمبولیکی، سنجش و ارزیابی و ... به کار می رود. ذهن انتزاعی، انسان را قادر می سازد تا از عالم وجودی خود، اصل و ماهیت خود و منشاء گذشته خود آگاه باشد. رهایی از حال و واقعیت و در نظر گرفتن مفاهیم جدید با تفکر انتزاعی امکانپذیر می گردد. اعجاب انگیزترین توانایی شناختی انسان توانایی تفکر در مورد آینده و چیزی است که هنوز وجود ندارد.
- ▶ ظرفیت طبقه بندی، هماهنگ سازی و نظم بخشی مفاهیم سمبولیک در یک شکل جدید، مشابه فرایند بازتولید یک موجود ژنتیکی جدید است. مفهوم فیلوژنی بازتولید ژنتیکی دارای حوزه فعالیت محدودی بوده و توسط ژن های والدی به ارث می رسد. در حالی که مفهوم آنتوژنی بازتولید که توسط فرآیندهای شناختی تجزیه و ترکیب می شوند، محدودیت تحول فیلوژنی را ندارند. طی تحول فرد می آموزد کدام واکنش وی را در رسیدن به آرامش توانمند نموده و کدام مانع آن می شود.

## مراحل تکاملی میلون

➤ میلون باور داشت مراحل حساسی از رشد نورولوژیک وجود دارد. هر یک از این مراحل دارای محدودیت زمانی خاص خود هستند. اگر در این مراحل، رشد عصبی با کمبود یا پربود تعذیه محرک مواجه شود، رشد دچار وقفه شده و احتمال اختلال و بد کارکردی فزونی می یابد. وی معتقد است کودک در فرایند تحول، برخی رفتارها را در جهت حفظ بقای خود و مقابله با محیط انجام می دهد. کودک با ظرفیت شناختی، انرژی، مزاج و تجربه با والدین و همسالان یاد می گیرد کدامیک از فعالیت ها منجر به پاداش می گردد. در گذر از مراحل تحول، رفتارهای کودک در ارتباط با دیگران به تدریج محدود و انتخابی می گردد که عمیق بوده و در برابر تغییر مقاوم است. میلون معتقد است که تجارب اولیه زندگی در شکل گیری شخصیت مهم بوده و رفتارهای بزرگسالی وابسته و مرتبط با رفتارهای اولیه زندگی هستند.

➤ بدین ترتیب، یک ارگانیزم انسانی منفرد باید از چهار مرحله عبور کند و چهار سری از تکالیف موازی را تکمیل کند تا بتواند در زندگی به طور شایسته عمل نماید. هر مرحله و تکلیف با یک یا چهار فاز تکاملی منطبق است: **وجودی، انطباق، تولید مثل و انتزاع**. قطب بندی هایی که **سه فاز اول** را نشان می دهند (لذت - درد، منفعل - فعال، دیگری - خود) برای ساختن طبقه بندی تئوری - محور سبک ها و اختلال های شخصیتی مورد استفاده قرار گرفته اند.

➤ درون هر مرحله، هر فردی گرایش های شخصیت شناختی کسب می کند که توازنی بین دو قطب یا تمایلی به سوی یک قطب نشان می دهد؛ اینکه کدام تمایل غالب شود بستگی به فعل و انفعالات حل نشدنی عوامل درون ارگانیزمی و برون ارگانیزمی دارد.

## مراحل تکاملی میلون

دستاورد رشدی	مرحله عصب- روانشناختی	کارکرد بقا	قطب‌بندی	مرحله تکاملی
اعتماد به دیگران	دلبستگی حسی	بهبود زندگی/ صیانت زندگی	لذت - درد	وجودی
اعتماد به خود	خودمختاری حسی حرکتی	تغییر بوم‌شناختی/ سازش بوم‌شناختی	فعال - منفعل	انطباق
هویت جنسی و نقش جنسی	هویت تناسلی جنسی	پرورش فرزند/ تکثیر خود	دیگری - خود	تولید مثل
توازن استدلال و هیجان	یکپارچگی درون قشری	استدلال عقلی/ استدلال هیجانی	تفکر - احساس	انتزاع

# مراحل تکاملی میلون

## ۱. دلبستگی حسی

◀ دامنه این مرحله از تولد تا ۱۸ ماهگی است. فرایند غالب این مرحله فرایند حسی بنیادین است که در جهت رشد عصبی فعال است. دلبستگی جریانی است که میزان نزدیکی طفل را با سایرین نشان می دهد. فقر محرک در این مرحله می تواند باعث بی احساسی، نقص در دلبستگی اجتماعی و افسردگی شود. دریافت افراطی محرک باعث بیش فعالی، تحرک جویی و وابستگی میان فردی نابهنجار می گردد.

◀ تکلیف این مرحله تحول و گسترش اعتماد به دیگران است. در روزهای اولیه زندگی نوعی وابستگی در کودک درمانده جهت تأمین نیازهای تغذیه ای مشاهده می گردد. با مراقبت های مداوم و پایدار مراقب، حس اعتماد در کودک شکل می گیرد. عدم تجربه رابطه گرم در دوران کودکی باعث می شود تا فرد احساس بی اعتمادی نسبت به محیط و دیگران پرورش دهد.

## مراحل تکاملی میلون

### ۲. خودمختاری حسی - حرکتی

◀ دامنه این مرحله تقریباً بین ۱۲ ماه تا ۶ سال است. کودک در این مرحله قادر است فعالیت هایی روی اشیا انجام دهد و بر محیط تأثیر گذارد. در این مرحله با رشد توانایی های کلامی و حرکتی، کودک به تدریج خودمختارتر و مستقل تر می شود. فقر محرک در این مرحله احتمالاً منجر به فقدان رفتارهای جستجوگرانه و رقابت جویی می گردد. فقدان تغذیه محرک سبب کم رویی، نفعالی و سلطه پذیری می شود. از سوی دیگر تغذیه افراطی منجر به تظاهرات کنترل نشده، بی مسئولیتی اجتماعی و خودشیفتگی می گردد.

◀ تکلیف این مرحله کسب اعتماد به نفس است. کودک در این مرحله از انفعال دوره اول رها می شود و بر محیط عمل می کند. نگرش های کارآمد والدین به کودکان اعتمادی می بخشد تا مهارت های خود را تمرین کنند. پاداش ها و تنبیه ها بر اعتماد به نفس کودک اثر می گذارد.

## مراحل تکاملی میلون

### ۳. هویت تناسلی – جنسی

دامنه سنی این مرحله بین ۴ سال تا نوجوانی است. در این مرحله رشد تفکر انتزاعی آغاز می شود. فقر محرک در این مرحله، ناتوانی در یافتن مسیری برای زندگی شخصی، فقدان انضباط و الگوهای رفتار تکانشی را می تواند در پی داشته باشد. دریافت افراطی محرک در این مرحله ممکن است سبب فرونشانی خودانگیختگی، انعطاف پذیری و خلاقیت گردد. از منظر تحولی، این مرحله منطبق با قطب خود و دیگری است. مردان در این مرحله عمدتاً چیره، مسلط و زیاده طلب بوده و زنان برون گرا، اجتماعی و پرورش دهنده شناخته می شوند.

تکلیف رشدی این مرحله، درونی کردن نقش های جنسی است.

### ۴. یکپارچگی درون قشری

این مرحله دوره نوجوانی را در بر می گیرد. تمرکز این مرحله بر بودن در زمان است. در این مرحله فرد توانمند می شود تا از تفکر عینی به سمت تفکر انتزاعی حرکت کند.

تکلیف این مرحله تعادل منطق و هیجان است.

# خلاصه جامعی از انواع شخصیت و اختلال‌ها مبتنی بر نظریه میلون

راهبرد تولید مثل			هدف وجودی		قطب بندی
زاد و ولد در برابر پرورش			بهبود زندگی در برابر حفظ زندگی		
خود در برابر دیگری			لذت در برابر درد		
خود - دیگری معکوس شده	خود (بالا) دیگری (پایین)	خود (پایین) دیگری (بالا)	لذت - درد معکوس شده	لذت (پایین) درد (پایین یا بالا)	نقص، عدم تعادل، یا تعارض

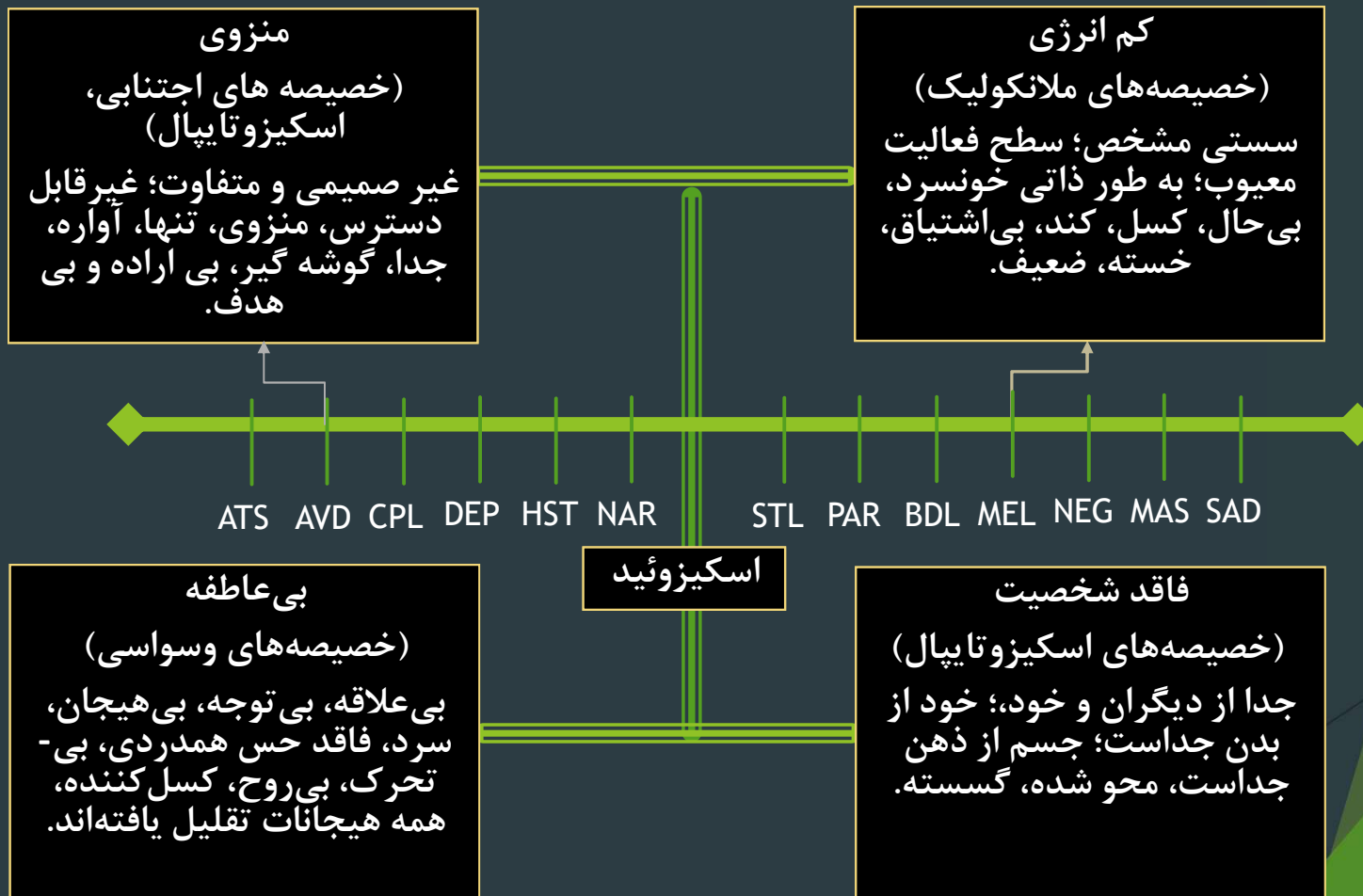
## اختلال شخصیتی

وسواسی	خود شیفته	وابسته	مازوخیست	اسکیزوئید ملانکولیک	منفعل سازش
منفی گرا	ضد اجتماعی	نمایشی هیپومانیا	سادیست	اجتنابی	فعال تغییر
مرزی پارانوئید	پارانوئید	مرزی	مرزی پارانوئید	اسکیزوتایپال	آسیب ساختاری

## شخصیت های معیوب از نظر ساختار

◀ سه الگوی شخصیتی مختل «اسکیزوتایپال، مرزی و پارانوئید» شخصیت های معیوب از نظر ساختار نام گرفته اند که در مراحل پیشرفته ی آسیب دیده می شوند. در این تیپ های شخصیتی، ساختار شخصیت به آرامی در حال زوال است و از طریق چندین ملاک با اختلال های شخصیتی اصلی تفاوت دارند (از مهمترین آن ها: نقص در کفایت اجتماعی و دوره های روان پریشی متعدد اما برگشت پذیر). به دلیل یکپارچگی کمتر در سازمان شخصیتی و مقابله نامؤثرتر نسبت به همتهای خفیف ترشان، در برابر سختی های زندگی آسیب پذیر هستند.

# شکل های فرعی شخصیت اسکیزوئید



# شکل های فرعی شخصیت اسکیزوتایپال

## خسته کننده

(خصیصه های اسکیزوئید، ملانکولیک، وابسته)

حس غرابت و نیستی؛ آشکارا کسل کننده، کند، گنگ، ذاتاً آرام، تهی، بی تفاوت و بی احساس؛ افکار مبهم و نامشخص؛ نیروی عجیب انتقال اندیشه.



## اسکیزوتایپال

## ترسو

(خصیصه های اجتنابی، منفی-گرا)

بیمناک، مراقب، بدگمان، محافظه کار، بی میل؛ حساسیت مفرط؛ جدا از خود و دیگران؛ به طور عمدی افکار خود را مسدود، معکوس یا رد می کند.

# شکل های فرعی شخصیت اجتنابی

## فوبیک

(خصیصه های وابسته)

بیم ناکی فراگیر همراه با شتاب  
ملموس؛ تردید و بی قراری که توسط  
اشیا یا وقایع تنفر انگیز و ترسناک  
نماد سازی می شوند.

## متعارض

(خصیصه های منفی گرا)

ناهماهنگی و کشمکش درونی؛ ترس از  
استقلال و وابستگی؛ اشفته؛ عدم صلح  
درونی؛ بی میل، سردرگم، در عذاب،  
متشنج، چشمگین؛ ترس حل نشده.

ATS

CPL

DEP

HST

NAR

SZD

STL

PAR

BDL

MEL

NEG

MAS

SAD

## اجتنابی

## خیلی حساس

(خصیصه های پارانوئید)

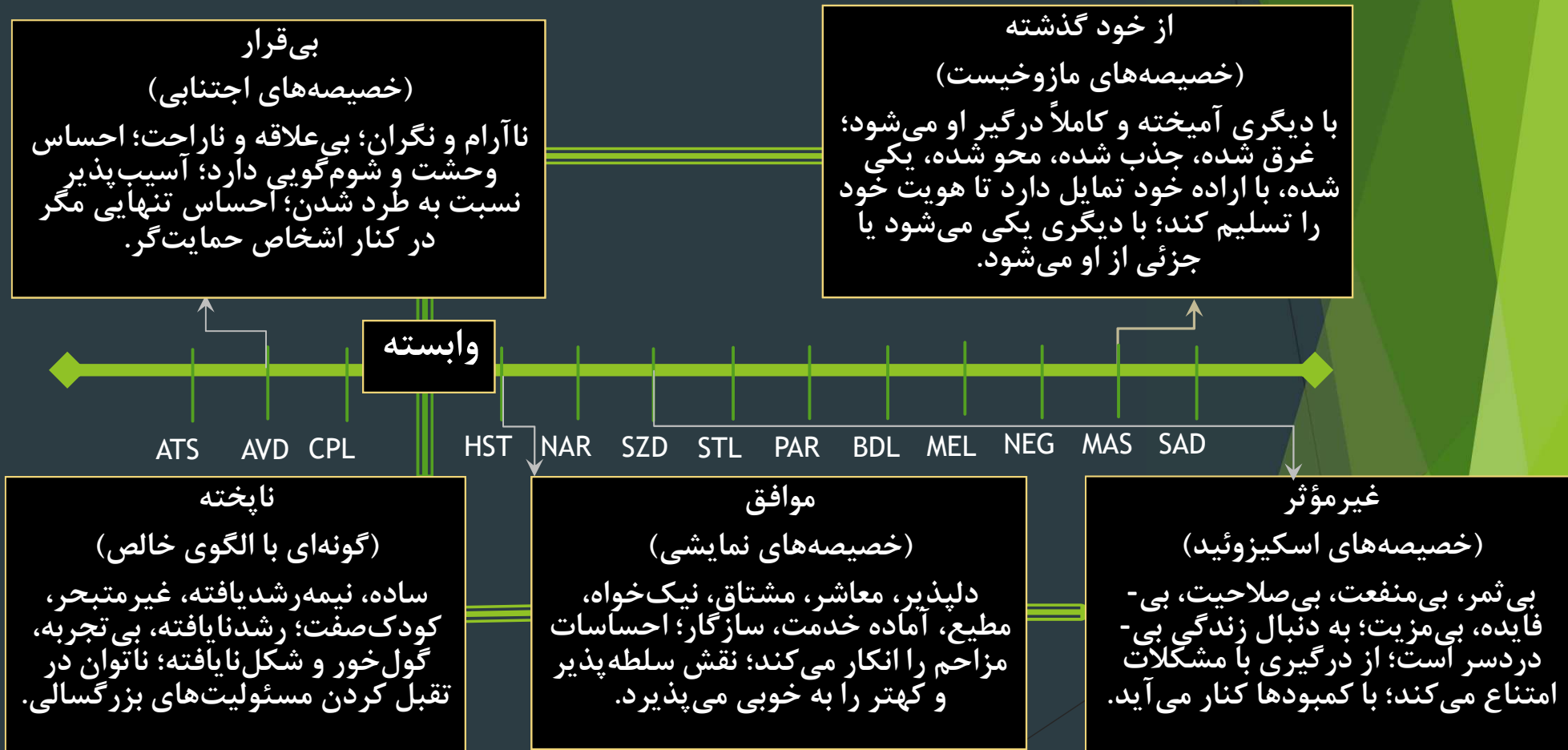
بسیار محتاط و بدگمان؛ به شدت مضطرب،  
وحشت زده، عصبی و ترسو، حساس و  
زودرنج.

## خود گریز

(خصیصه های ملانکولیک)

خود آگاهی را مسدود یا قطعه قطعه می کند؛  
تصاویر و خاطرات دردناک را نادیده می گیرد؛ افکار  
و تکانه های غیرقابل قبول دفاع را رد می کند؛ به  
شدت خود را رد می کند (متمایل به خودکشی).

# شکل های فرعی شخصیت وابسته



# شکل های فرعی شخصیت نمایشی

## خشنودکننده

(خصیصه های وابسته)

در جستجوی صلح، بهبودی، آشتی، و هموار کردن مشکلات است؛ مهارت در فرو نشانیدن اختلاف ها، آرام کردن خشم با سازش، قبول شکست؛ خود را برای تقدیر قربانی می کند.

## بانشاط

(خصیصه های خودشیفته)

قوی، فریبنده، بشاش، سرزنده، باروح، سبک سر، تکانشی؛ در جستجوی خوشی لحظه ای و ماجراهای جالب است؛ جالب، با انرژی، گرم.

## تند

(خصیصه های منفی گرا)

تکانشی، کنترل ناپذیر؛ دمدمی، شاکی، ترش رو؛ پر از هیجان، توفانی، برانگیخته، به طور دوره-ای خشمگین و متلاطم می شود.

## نمایشی

ATS AVD CPL DEP

NAR SZD STL PAR BDL MEL NEG MAS SAD

## ناپخته

(گونه ای با الگوی خالص)

ساده، نیمه رشد یافته، غیر متبحر، کودک صفت؛ رشد نایافته، بی تجربه، گول خور و شکل نایافته؛ ناتوان در تقبل کردن مسئولیت های بزرگسالی.

## موافق

(خصیصه های نمایشی)

دلپذیر، معاشر، مشتاق، نیک خواه، مطیع، آماده خدمت، سازگار؛ احساسات مزاحم را انکار می کند؛ نقش سلطه پذیر و کهنتر را به خوبی می پذیرد.

## بچگانه

(خصیصه های مرزی)

ناپایدار، بسیار حساس، هیجانات بی ثبات؛ حمله عصبی؛ پر توقع، عصبی؛ چسبیده به دیگری؛ بیش از اندازه پیوسته و اویخته.

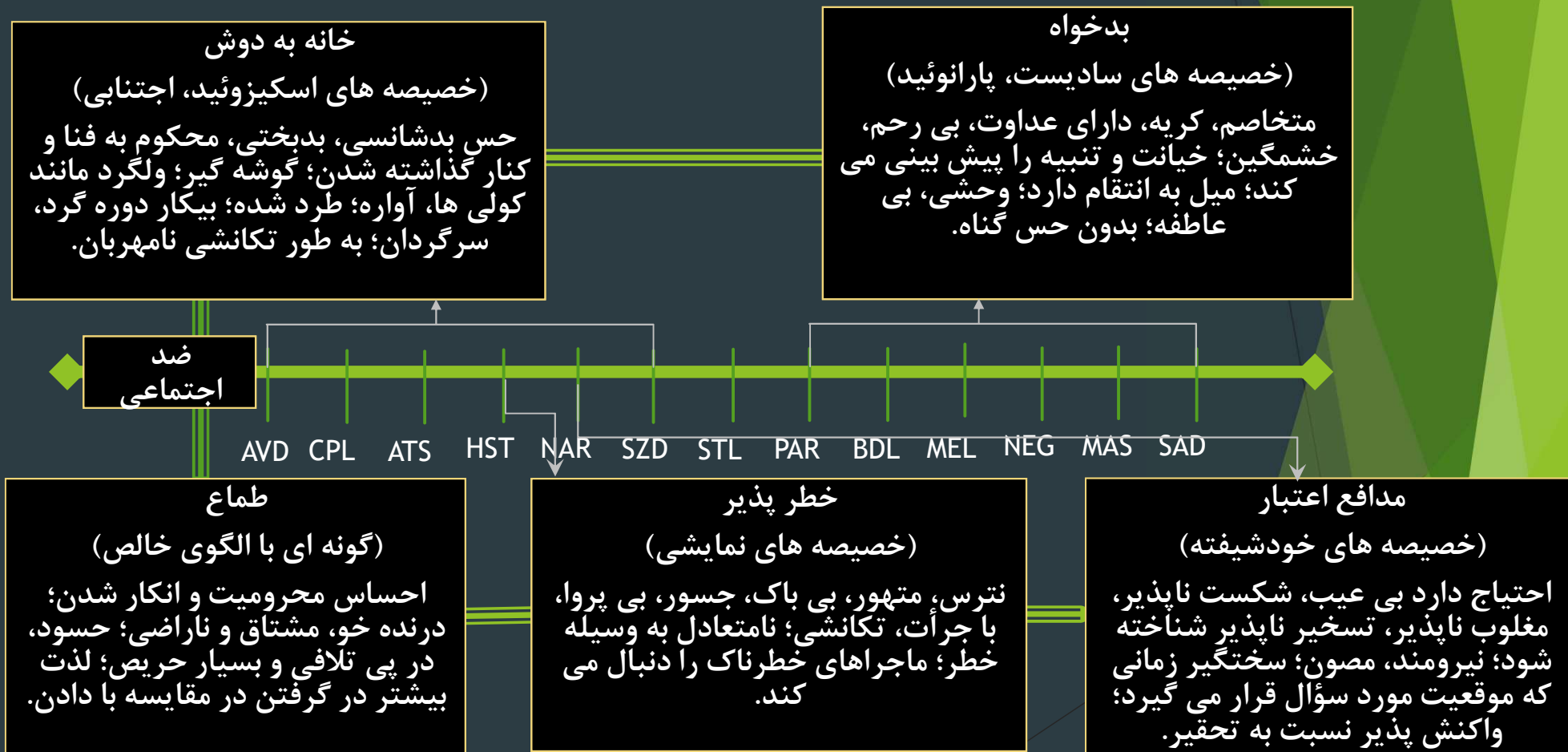
# شکل های فرعی شخصیت خودشیفته



# شکل های فرعی شخصیت پارانوئید



# شکل های فرعی شخصیت ضد اجتماعی



# شکل های فرعی شخصیت سادیست

## بی جرأت

(خصیصه های اجتنابی)

به طور اساسی نا ایمن و بزدل؛ برای کینه توزی و ظلم از روش مقابله با هراس استفاده می کند؛ ضعف به وسیله حمایت گروهی خنثی می شود؛ قربانی ضعیف را انتخاب می کند.

## ستمگر

(خصیصه های منفی گرا)

از تهدید و ستم بر دیگران لذت می برد، دیگران را وادار به تعظیم و تسلیم شدن می کند؛ به طور کلامی گزنده هستند، تخریب گر؛ سوء استفاده کننده، غیرانسانی، تندخو، بی رحم.

## سادیست

ATS AVD CPL DEP HST NAR SZD STL PAR BDL MEL NEG MAS

## مجبور

(خصیصه های وابسته)

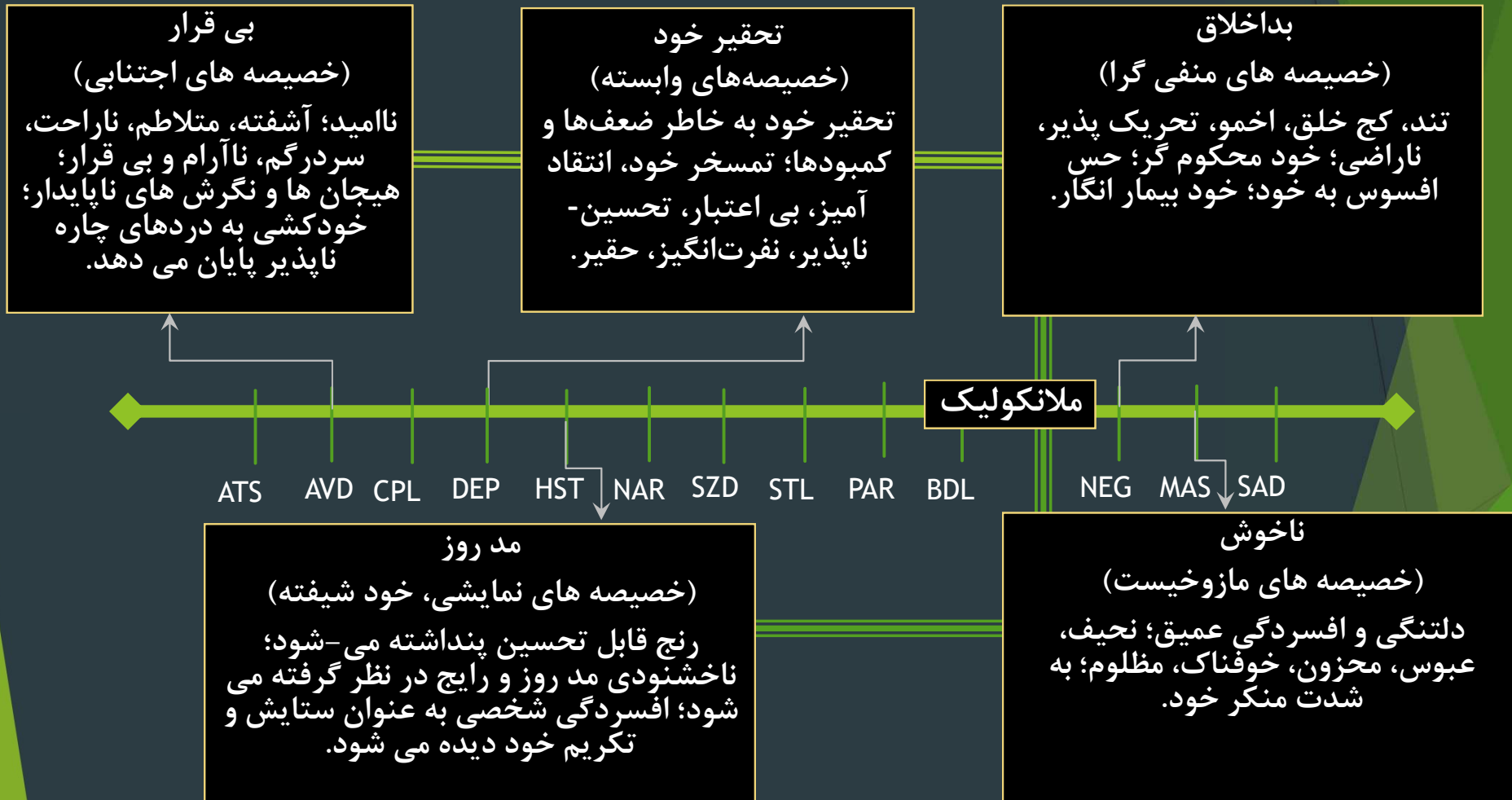
خصومت به صورت علاقه به مردم و الایش شده است؛ پلیس، سرپرست رئیس مآب، مدیر، قاضی؛ خود را محق می داند تا بی رحم، خشن و وحشی باشد؛ وظیفه او کنترل و تنبیه است تا قانون شکنان را پیدا کند.

## انفجاری

(گونه ای با الگوی خالص)

خشم و غضب بی مهابا؛ خشم کنترل ناپذیر و حمله های ترسناک؛ احساسات تحقیر محصور و خالی می شوند؛ متعاقباً احساس پشیمانی.

# شکل های فرعی شخصیت ملانکولیک



# شکل های فرعی شخصیت مازوخیست

## پاکدامن

(خصیصه های نمایشی)

به طور غرور آمیزی متواضع، از خود گذشته و از جان گذشته؛ ریاضت کش؛ فشارهای سنگین اصیل پنداشته می شوند، عادل و مقدس؛ دیگران باید وفا و سرسپردگی را تصدیق کنند؛ قدردانی و تشکر برای نوع دوستی و مدارا انتظار می رود.

## مالک

(خصیصه های منفی گرا)

با حسود شدن، محافظت بیش از حد و جزئی از کسی بودن، می فریبد و به دام می اندازد؛ با قربانی شدن به خاطر یک خطا، دیگران را اغفال می کند، کنترل می کند، تسخیر می کند، به بندگی می کشد و بر آنها چیره می شود؛ با وابستگی غیر قابل اجتناب، دیگران را مهار می کند.

## مازوخیست

ATS AVD CPL DEP HST NAR SZD STL PAR BDL MEL NEG SAD

## خود تخریب گر

(خصیصه های وابسته)

با موفقیت، متلاشی می شود، پیروزی را از طریق شکست تجربه می کند؛ از بدشانسی شخصی، شکست ها، تحقیرها و تجربه کردن مشکلات لذت می برد؛ از بهترین علایق چشم پوشی می کند؛ قربانی شدن، تخریب شدن و رسوا شدن را انتخاب می کند.

## ستم دیده

(خصیصه های ملانکولیک)

بدبختی، ناامیدی، سختی، غمگینی، شکنجه و ناخوشی واقعی را تجربه می کند؛ شکوه ها برای ایجاد احساس گناه در دیگران استفاده می شوند؛ خشم از طریق معاف شدن از مسئولیت ها و آزار دادن ستمگرها بروز داده می شود.

# شکل های فرعی شخصیت منفی گرا

## دودل

(خصیصه های مرزی)

هیجانان به وسیله سردرگمی، گیجی و ابهام در حال نوسان هستند؛ در درک یا فهم خلق دمدمی و مبهم خود مشکل دارند؛ متزلزل و بی عزم هم ذهنی و هم جسمی.

## ناخشنود

(خصیصه های ملانکولیک)

غرغرو؛ زودرنج، بدخو، خشمگین، شاکی، ناراحت، از رده و دمدمی؛ از جدل اجتناب می کند؛ از شکایت های مشروع اما ناچیز استفاده می کند.

## منفی گرا

ATS AVD CPL DEP HST NAR SZD STL PAR BDL MEL MAS SAD

## غیرمستقیم

(خصیصه های وابسته)

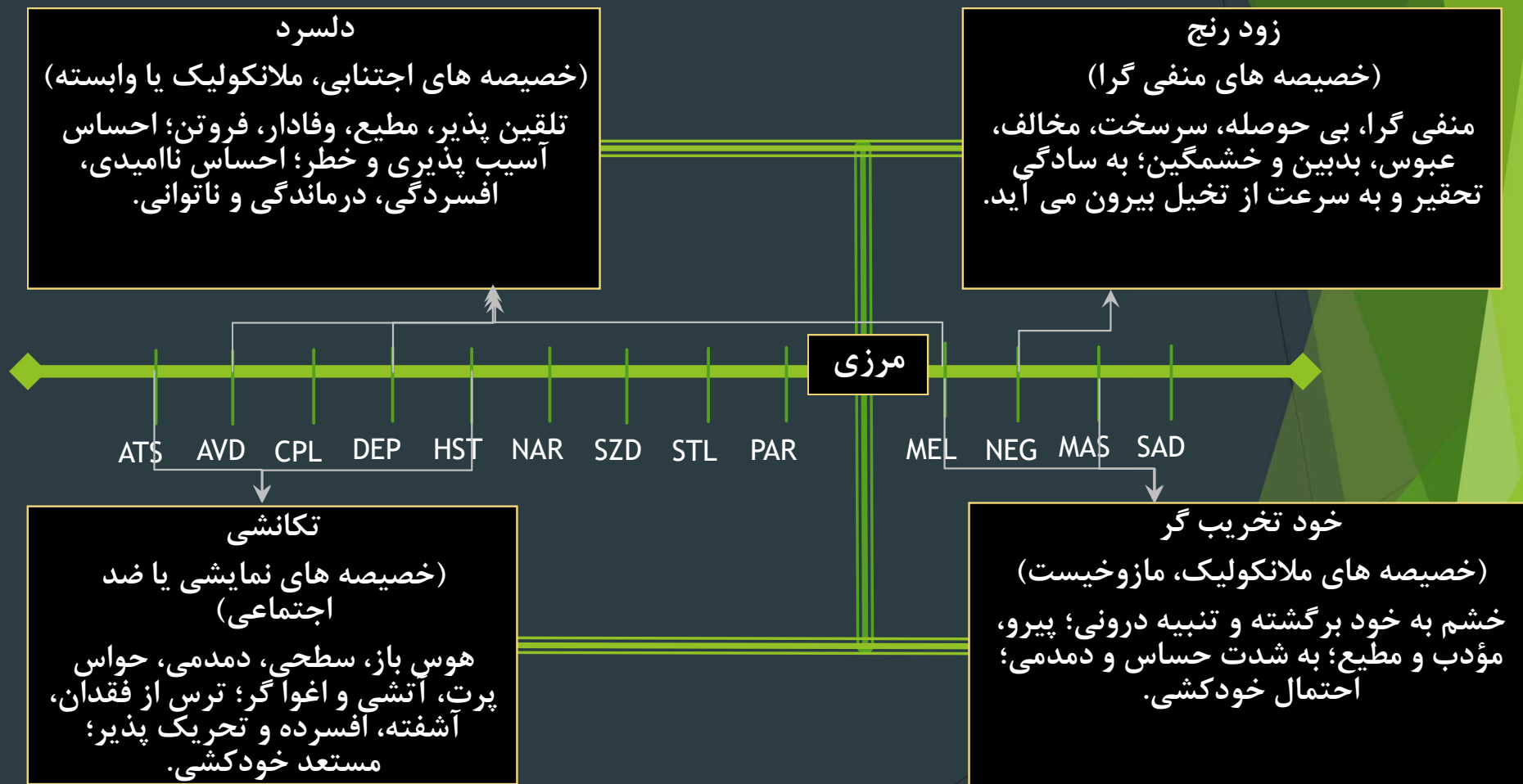
مخالفت به صورت غیرمستقیم، پیچیده و دو پهلو نشان داده می شود، برای مثال اهمال کاری، اتلاف وقت، فراموشی، نا کارآمدی، مسامحه، لجاجت؛ در نشان دادن خشم غیرمستقیم عمل می کند و رفتارهای مقاوم نشان می دهد.

## نامهربان

(خصیصه های سادیست)

ستیزه جو، سرسخت، بد خلق و جدلی؛ تحریک پذیر، تند، تحقیر کننده، تخریب کننده و تلخ؛ مخالف؛ ترس کم و وجدان و پشیمانی اندک.

# شکل های فرعی شخصیت مرزی



# شکل های فرعی شخصیت و سواسی

